

دیدار فرماندار شمیرانات با خانواده معظم شهید جواد فکوری در سالگرد شهادت ایشان

دیدار با خانواده معظم شهید



به گزارش روابط عمومی فرمانداری شمیرانات، مجتبی ذاکریان فرماندار شهرستان روز پنجشنبه همزمان با چهل و یکمین سالگرد شهید معظم جواد فکوری با همراهی جمعی از مسئولان فرمانداری با خانواده معظم این شهید العظیم الشان دیدار و ادای احترام کرد.

نگاهی کوتاه بر زندگی شهید فکوری

در یکی از روزهای دی ماه سال 1317 در محله چرنداپ شهر تبریز در یک خانواده مذهبی متولد شد. پدر شهید فردی مذهبی و از کاسب های جزء بود. به دلیل این که کارش رونق نداشت، به همراه خانواده به تهران عزیمت می کند. جواد برای گذراندن دوره تحصیلات ابتدایی وارد مدرسه اقبال می شود. و پس از آن تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان مروی تهران آغاز و در سال 1337 مدرک دیپلم خود را با موفقیت کسب می کند.

فکوری در سال 1338 در کنکور سراسری شرکت کرده و در رشته پزشکی پذیرفته شد، ولی به خاطر علاقه زیادی که به خلبانی داشت، با انصراف دادن از تحصیل در دانشگاه، در مهر ماه همین سال وارد دانشکده خلبانی نیروی هوایی شد. پس از گذراندن دوره مقدماتی پرواز، اولین پرواز مستقل خود را در سال 1339 با هواپیمای تی 33 با موفقیت انجام داد.

فکوری پس گذراندن این دوره، جهت تکمیل آموزش به کشور آمریکا اعزام شد. و پس از یک سال و نیم با 263 ساعت آموزش پرواز، موفق به اخذ گواهینامه خلبانی هواپیمای شکاری بمب افکن اف-4 شد. پس از بازگشت به ایران، با درجه ستواندومی در پایگاه یکم شکاری مشغول به خدمت شد. پس از مدتی به پایگاه هوایی شیراز منتقل و در گردان تاکتیکی شکاری مشغول به خدمت شد.

او در سال 1343 ازدواج کرد؛ که ثمره این ازدواج 2 فرزند پسر و یک دختر است. در طول این مدت وی به پایگاه های مختلف سفر می کرد. ابتدا پایگاه مهرآباد، سه سال پایگاه همدان، 3 سال در تهران و 8 سال در شیراز خدمت کرد.

دینم را به درجه نمی فروشم:

در مدت حضور در شیراز، فکوری چهار، پنج سال مطالعات گسترده بر ادیان مختلف انجام داد. که این مطالعات باعث گرایش شدید او به اسلام شد. نماز به موقع، قرآن و روزه اش ترک نمی شد. در آن زمان تیمسار ربیعی فرمانده پایگاه شیراز بود.

یک روز ربیعی در ماه رمضان ساعت 10 صبح، فکوری را برای صرف نوشیدنی به دفترش دعوت کرده بود. فکوری هم که روزه دار بود نرفت. چند روز بعد تیمسار ربیعی همسر ایشان را می بیند و گله می کند. در بازگشت، همسر فکوری به او می گوید: امسال، سال درجه ات است. با ربیعی سر ناسازگاری نگذار اما او تأکید می کند، دینم را به درجه و دوره نمی فروشم.

فکوری به تدریج با گذراندن دوره های هنر آموزشی پرواز، تیراندازی هوایی در شب و فرماندهی ستاد، با ساعت پروازی بالا بر روی هواپیمای اف-4 یکی از بهترین خلبانان این جنگنده تا قبل از پیروزی انقلاب بود.

مسئولیت های عملیات گردان 102 شکاری، گردان یکم شکاری، گردان پرواز کور و عملیات تیپ سوم شکاری، از عمده مسئولیت های جواد فکوری تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بود. در تمام این مدت او اصلاً به مرخصی نمی رفت. که بعد از طی شدن این مراحل تصمیم می‌گیرد و شy­؛گبیرد سه ماه مرخصی بگیرد. در این هنگام او به همراه خانواده برای گذراندن دوره ستاد در آمریکا زندگی می کرد. که انقلاب اسلامی پیروز می شود و در اسفند 57 او به ایران باز می گردد و بعد از سه ماه به تبریز منتقل می شود.

در تبریز وی گرفتار ماجرای جدایی طلبان حزب خلق مسلمان می شود، که بعد از مخالفت با درخواست آنان مبنی بر در اختیار گذاشتن اسلحه به این گروه، بعد از مدت زمان اندکی توسط این گروه به گروگان گرفته می شود. که بعد از 48 ساعت توسط شهید اردستانی و تعدادی از پرسنل نیروی هوایی نجات پیدا می کند.

وقتی فکوری آزاد شد، تمام تنش کبود بود، زخم های عمیقی در پایش به وجود آمده بود. لباس پروازی اش تکه تکه بود. ولی گروگان گیران نتوانسته بودند بر مقاومت او غلبه کنند. شب هنگام دکتر چمران به منزل او زنگ می زند و خواستار این می شود که هیاتی به تبریز اعزام شود، که فکوری می گوید صلاح نمی دانم زیرا تعدادی از پرسنل پایگاه (که بعداً دستگیر شدند) با آنها هستند و بر روی باند، ضد هوایی کار گذاشته اند و هر هواپیمایی که نزدیک شود آن را هدف قرار می دهند.

در این هنگام فکوری بعد از اقامت سه روزه در تهران به تبریز می رود و با کمک او و پرسنل گروه ضربت و انجمن اسلامی پایگاه، عناصر فریب خورده دستگیر و همه چیز به حالت عادی بر می گردد. فکوری در تمام دوران خدمتش در ارتش، به عنوان فردی مذهبی و قاطع شناخته می شد و به همین علت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم او به ترتیب به عنوان فرمانده پایگاه هوایی تبریز، فرمانده منطقه هوایی مهرآباد، معاونت عملیات نیروی هوایی و به علت جدیت در کار و مسئولیت های محوله، در هفتم خرداد سال 1359 به عنوان فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب شد.

فکوری جزء، بزرگانی بود که پله به پله، نردبان ترقی را طی کرد و وقتی به جایگاه خلبانی و کسوت هدایت جنگنده های ایرانی رسید، کمال واقعی را با تمام وجود حس و لمس کرد. سرتیپ خلبان جواد فکوری، مردی بزرگ و وارسته بود که در برهه ای از زمان پا در رکاب رزم نهاد و با طرح ها و ابتکارات خود ضربه شستی به دشمن نشان داد، که دیگر نامردانه یا دزدانه به حریم مقدس ایران پای نگذارد.

فکوری وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در شرایطی فرمانده این نیرو شد که بعد از کودتای نافرجام نوژه، شیرازه امور از هم پاشیده شده بود. عناصر وابسته، با طرح مسائل انحرافی و شعار انحلال ارتش درصدد آشوب بودند. در این برهه از زمان امام خمینی(ره) که خوب می دانستند، اگر ارتش از بین برود، استقلال ایران به خطر می‌افتد؛shy­؛. با تمام قدرت از ارتش و فرماندهان آن پشتیبانی کردند و در اطلاعیه هایی از ارتش و نیروی های نظامی حمایت کردند و روحانیت نیز با الهام از سخنان گهربار امام(ره) شروع به تقویت ارتش کردند.

او به دلیل لیاقت، کاردانی، شایستگی و احساس مسئولیت در زمان تصدی پست فرماندهی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در بیستم شهریور ماه سال 1359 با حفظ سمت به عنوان وزیر دفاع در کابینه شهید رجایی انتخاب شد. البته پس از مدتی مورد تشویق قرار گرفت و به سمت مشاور جانشینی رئیس ستاد مشترک ارتش انتخاب شد.

جنگ آغاز می شود:

فکوری به عنوان وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی، مسئولیت سختی در زمان جنگ داشت. به طوری که بعد از شروع جنگ 20 روز فرصت پیدا نکرد به منزل شان سر بزنند. بعد از حمله نیروی هوایی عراق به ایران، فکوری به فکر جوابی دندان شکن به آنها بود که طی دستوری دو پایگاه هوایی را مامور می کند تا در کم تر از 2 ساعت جوابی دندان شکن به آنها بدهند.

یکی از کارهای گران قدر او، اعزام 140 هواپیمای جنگنده در تاریخ یکم مهر ماه سال 1359 پس از اولین حمله هوایی عراق بود.

فکوری به عنوان فرمانده جهت منسجم و هماهنگ کردن نیروها بسیار تلاش می کرد.

این شهید بزرگوار دست به تغییر ساختار بنیادی و ساماندهی در نیروی هوایی زد و هنوز سرگرم سر و سامان دادن اوضاع بود، که ابتدا ماجرای کودتای نوزده و سپس جنگی ناخواسته آغاز شد و به راستی با نگاهی به وضعیت او در آن زمان می توان گفت کم تر فرماندهی رویدادهای سنگین و پرمخاطره ای را که در زمان مسئولیت او حادث شده بود، به خود دیده است.

توطئه آمریکا :

بعد از تسخیر لانه جاسوسی، سندی بدست آمد که در آن نقشه گرافیکی طراحی شده بود که در آن وضعیت نیروی SHY&های نظامی ایران و عراق و نحوه تمرکز نیروی هوایی دو طرف در غرب و جنوب ایران ترسیم شده بود. حتی محورهای عملیاتی نیز با نوک پیکان مشخص شده بود.

نقشه مذکور توسط یکی از عوامل جاسوسی که خود را در پوشش یک چوپان جا زده بود به سفارت آمریکا در عراق ارسال شد. که عراق بعدا از همان نقاط به ایران حمله کرد. در این نقشه یک پایگاه متروکه وجود داشت که کاملاً استتار شده بود، تا در تبرس ایران نباشد (البته این نقشه بدین شکل بعد از حمله عراق کشف شد)

از این فرودگاه حملات زیادی به ایران می شد. پس از کشف این سند، فکوری دستور عکسبرداری هوایی از مختصات منطقه مزبور را به صورت محرمانه صادر می کند. که بعد از عکس برداری مشخص شد که در این پایگاه متروکه یک باند فرعی وجود دارد که از آن مخفیانه برای حمله به ایران استفاده می شود.

چند روز بعد از عکس برداری شهید فکوری به صورت کاملاً محرمانه دستور بمباران آن جا را صادر می کند. جنگنده بمب افکن های نیروی هوایی این باند و پایگاه را به شدت بمباران می کنند. شدت خسارات وارده به قدری زیاد بود که تا پایان جنگ هم عراق نتوانست آن جا را بازسازی کند.

ابتکار و خودکفایی در نیروی هوایی :

در آخرین روزهای پاییز سال 1359 جنگ روزهای سخت و بحرانی خود را طی می کرد. دشمن با اتکا به انواع تانک و نفربرهای زرهی، از هیچ گونه جنایتی فروگذار نبود. و در مسیر حرکت خود هر که را می دید به خاک و خون می کشید، بیمار، کودک، پیرزن و پیرمرد برایش هیچ فرقی نمی کرد.

در این بین خلبانان شجاع شکاری و خلبان شجاع هلیکوپترهای کبری در اقداماتی بی سابقه به جنگ های انفرادی با تانک ها می پرداختند.

در این زمان فکوری در این فکر بود که اگر جنگ به همین شکل ادامه پیدا کند باید از تاکتیک ها و روش های جدید برای مقابله استفاده کرد؛ که به وسیله آنها علاوه بر این که دشمن نتواند دست نیروی هوایی را بخواند، بلکه تلفات و ضایعات بیشتری نیز به آن وارد شود.

در این هنگام خلبانان شجاع هلیکوپترهای کبری برای منهدم کردن تانک ها و ادوات دشمن از «موشک تاو» استفاده می SHY&کردند. که به دلیل استفاده زیاد، این موشک درحال اتمام بود و همان طور که گفته شد، به دلیل این که ایران در تحریم تسلیحاتی بود، باید برای این مشکل فکری می شد.

جواد فکوری به عنوان وزیر دفاع در جلسه ای با حضور فرماندهان و کارشناسان نظامی و متخصصین و خلبانان، از آنها خواست که هر چه سریع تر طرحی ارائه کنند که بتوان طی آن موشک هوا به زمین "ماوریک" که بر روی هواپیمای اف-4 نصب می شد، را بر روی هلی کوپتر کبری نیز نصب کنند.

بلافاصله کار آغاز شد ولی این کار بسیار مشکل بود؛ به دلیل این که باید موشکی را که تا آن روز برای هواپیماهای شکاری بود روی هلی کوپتر نصب کنند و برای این کار باید علاوه بر تغییراتی که در لانچر موشک و سیستم آیرودینامیک هلی کوپتر داده می شد، کنسول کنترل اسلحه، مانیتور، پانل کنترل موشک نیز در هلی کوپتر نصب می شد.

به هرحال کار شبانه روزی بر روی یک فروند هلی کوپتر کبری آغاز شد و پس از دو ماه کار بی وقفه اولین نمونه آماده آزمایش شد.

برای آزمایش، هلی کوپتر به منطقه کوشک نصرت انتقال پیدا کرد. هلی کوپتر توسط خلبان روشن شد و بعد از مدتی در آسمان جای گرفت. با شمارش خلبان موشک شلیک شد و با هدف برخورد کرد.

نتایج خارج از پیش بینی ها بود. تخریب موشک بعد از برخورد با هدف عالی بود. فکوری که خود در محل انجام آزمایش حضور داشت طی سخنانی برای حاضرین گفت: امروز یکی از روزهای تاریخی و سرنوشت ساز و نقطه عطفی در تاریخ جهاد خودکفایی نیروهای مسلح به شمار می آید.

تعمیرات باید در داخل نیروی هوایی انجام شود

با توجه به تحریم تسلیحاتی و همچنین قطع رابطه ایران و آمریکا و بدلیل این که عمده SHY&ترین تامین کننده ادوات و تجهیزات نیروی هوایی تا آن زمان کشور آمریکا بود، نیروی هوایی بشدت دچار کمبود قطعات شده بود. در آن زمان طرحی از سوی تنی چند از فرماندهان به دکتر چمران ارائه شد، که به سبب آن تعمیرات اساسی هواپیما در ایران صورت بگیرد.

با موافقت چمران این طرح طی نامه ای به فکوری اطلاع داده شد. فکوری هم در اولین گام با جذب پرسنل خوشفکر، خلاق، توانمند، پرتلاش و مومن نیروی هوایی با کم ترین امکانات شروع به تشکیل تیم های مخصوص با تخصص های مختلف نمود. و پایه گذار خودکفایی نیروی هوایی شد. این حرکت در کوران جنگ، هنگامی که تعمیرات و نگهداری هواپیما، پدافندی، راداری، سیستم های ارتباطی همگی در نیروی هوایی انجام می شد، نمود بیشتری پیدا کرد.

سیل اتهامات به سوی جواد فکوری

پس از فرار خائنه بنی صدر، رئیس جمهور معزول و رجوی رهبر سازمان منافقین به وسیله یک فروند هواپیمای 707 نیروی هوایی در سال 1360 از ایران، سیل اتهامات به سوی فکوری سرازیر شد. و تا جایی پیش رفت که منجر به استعفاى او از وزارت دفاع و نیروی هوایی شد. البته پس از این ماجرا سرلشکر فلاحی با حکمی از سوی امام خمینی(ره) ایشان را به سمت مشاور ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب کرد.

ولی ماجرا چه بود ؟

نیازهای عملیاتی نیروی هوایی در آن زمان باعث شده بود که هواپیماهای تانکر در شبانه روز در آسمان حضور داشته باشند.

برای یکی از این پروازها "بهباد معزیگ، خلبانی که شاه را از ایران خارج کرد و با بازگرداندن هواپیمای شاه به ایران چهره قابل قبولی در بین خلبانان داشت، انتخاب شد. او با تهدید کادر پروازی، بنی صدر و رجوی را سوار بر هواپیما می SHY&کند. و به قصد گشت زنی و سوخت رسانی، به پرواز درمی SHY&آید. هواپیما بعد از پرواز مدتی در مسیر تعیین شده بود. و بعد از مدتی سمت خود را تغییر داده و با سرعتی زیاد به سمت غرب حرکت می SHY&کند. بلافاصله هواپیماهای شکاری از فرودگاه مهرآباد به پرواز در می آیند. در این هنگام از سوی رادارهای زمینی مرتب به هواپیمای تانکر اخطار داده می شود، که به مسیر برگردید وگرنه هدف قرار می گیرید. در این زمان فکوری که سراسیمه خود را رسانده است، با حالت عصبانی دستور می دهد که هواپیماهای شکاری که در منطقه پرواز می SHY&کنند، هواپیمای تانکر را تعقیب کنند و پیای اخطار بدهند، در صورت عدم بازگشت و تغییر مسیر، توسط هواپیماهای شکاری مورد هدف قرار گیرد و تاکید می کند. حتی اگر در تعقیب و گریز از مرز هم خارج شدند ولی به تعقیب ادامه داده تا هواپیما را سرنگون کنند و اگر خود نیز با کمبود سوخت مواجه شدند هواپیما را ترک کنند.

در این هنگام شکاری های پایگاه همدان نیز به پرواز در می آیند که اثری ندارد. شکاری SHY&های مهرآباد هم با تانکر حدود 190 مایل فاصله دارند که در این فاصله به هیچ وجه نمی توانستند تانکر را هدف قرار دهند. هواپیما بعد از گذشتن از مرز به فرانسه می رود. و بعد از بازگشت دو نفر از خدمه پروازی، یکی از آنها تاکید می کند، که مرتباً از رادار زمینی به ما اخطار می دادند و ذکر می

کردند که اگر ادامه بدهید مورد اصابت موشک قرار می‌گیرید. در همین زمان هواپیمای جنگنده نیز به ما اخطار داد که اگر برنگردید شما را هدف قرار می‌دهم. معزی با هواپیما گردشی کرد ولی چون جنگنده با ما فاصله زیادی داشت و او مطمئن شد که به ما نمی‌رسد، با سرعت به راه خود ادامه داد و از شمال کشورمان گریخت.

فکوری در هنگام تحویل مسئولیت به فرمانده بعدی نیروی هوایی، به پرسنل دفتر خود می‌گوید: «شاید زندگی بی‌شک به مثابه مسافرخانه‌ای است که امشب توقف‌گاه من است و فردا دیگری، دل بستن به امکانات و مقدرات دنیوی چیزی بس عبث و بیهوده است که من هرگز چنین نکردم.»

جواد پرواز بی‌فروود خود را آغاز می‌کند

شامگاه هفتمین روز مهر ماه سال 1360، بعد از شکسته شدن حصر آبادان به فرمان امام (ره) و توسط رزمندگان اسلام، سرداران تصمیم می‌گیرند که گزارش فتح و پیروزی را به اطلاع امام خمینی (ره) برسانند.

هواپیمای سی 130 که از تهران برای انتقال مجروحان به اهواز آمده بود، به زمین می‌نشیند. پس از انتقال مجروحین، خلبان از تیمسار فلاحی می‌خواهد به دلیل این که می‌خواهد در اسرع وقت مجروحان را برساند، او و همراهان با پروازی دیگر به تهران بیایند، که فلاحی موافقت می‌کند.

بعد از انتقال مجروحان به داخل هواپیما، خلبان متوجه می‌شود که فلاحی، نامجو، فکوری، کلاهدوز و جهان آرا نیز سوار بر هواپیما شده‌اند.

هواپیما با سرعت 200 نات در ارتفاع 24000 پایی به سمت تهران در حال پرواز است. ناگهان صدای انفجار مهیبی در قسمت راست هواپیما روی می‌دهد. در پی این انفجار برق هواپیما قطع می‌شود و هواپیما هر 4 موتور خود را از دست می‌دهد. فکوری با شنیدن صدای انفجار به کابین خلبان می‌رود و علت را جویا می‌شود. خلبان علائم کابین را که بر روی صفر بود به فکوری نشان می‌دهد. او کابین را ترک می‌کند و در کنار دیگر فرماندهان می‌نشیند و قرآن کوچک جیبی خود را باز کرده و شروع به تلاوت قرآن می‌کند. خلبان در آخرین لحظات از طریق باتری هواپیما با برج مراقبت تماس می‌گیرد و تاکید می‌کند. هیچی ندارم، هیچی ندارم.

لحظاتی بعد از مخابره این پیام، هواپیما به سختی با زمین برخورد می‌کند و بر اثر برخورد، چرخ قسمت راست هواپیما کنده می‌شود. خلبان و کمک به سختی و از پنجره کوچک کابین خارج می‌شوند، در این هنگام کپسول اکسیژن کابین منفجر می‌شود و کابین خلبان را منهدم می‌کند.

قسمت دم و بال چپ هواپیما آتش می‌گیرد و در نتیجه آن تمامی مسافرینی که در این قسمت بودند در دم شهید می‌شوند و حفره‌ای در کنار هواپیما ایجاد می‌شود که خلبان و کمک خلبان، موفق می‌شوند تعدادی از مسافرین را نجات بدهند.

به دلیل وجود تابوت شهدا در هواپیما و درست بسته نشدن آنها، تعدادی از تابوت‌ها با مسافرین برخورد کرده و آنها را بیهوش می‌کنند که این خود باعث سوختن تعدادی در آتش می‌شوند.

در این هنگام روح بزرگ شهید فکوری پرواز بی‌فروود خود را آغاز نموده بود. با شهادت فکوری، ارتش ایران یکی از بزرگ‌ترین تئوریسین‌های خود را از دست داد. شهید فکوری که خدمات ارزنده‌ای به ارتش ایران و بخصوص نیروی هوایی کرده بود، سبک بال به سوی معبود شتافت.





